

حکایت کلاه‌شاپو، قطاب‌پزی، آلاسکا و خیارشور محلی

تخریب مقرّ توده‌های ما



■ موضوع: کلوپ سهره‌راه اکبرآباد
 ■ ویژگی: این مکان مقرّ اصلی حزب توده بود که ویران شد

نام سلسبیل به شکل عجیبی با یکی از مهم‌ترین وقایع سیاسی معاصر عجین است. در بحبوحه کودتای ۲۸ مرداد، این محله به پاتوق یکی از جریان‌های سیاسی تبدیل شده بود که مقر آنها در سهره‌راه اکبرآباد بود و مورد حمله قرار گرفت و منهدم شد.

ماجرای حضور حزب توده در یکی از ساختمان‌های مشهور سلسبیل به سال ۱۳۲۴ و ۸ سال قبل از کودتای ۲۸ مرداد برمی‌گردد. یکی از پاتوق‌های توده‌ای‌ها در آن زمان کلوپ سهره‌راه اکبرآباد بود که در حوالی خیابان کمیل امروزی است. توده‌ای‌ها مشغول جذب نیرو و به قصد گسترده کردن فعالیت‌های حزبی‌شان بودند، اما معادلات سیاسی تغییر کرد و پرونده حزب توده و کلوپ سهره‌راه اکبرآباد بسته شد.

حسن توانا، یکی از قدیمی‌ترین اهالی سلسبیل، درباره ارتباط کلوپ سهره‌راه اکبرآباد و کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۲۲ می‌گوید: «وقتی مردم در ۲۵ مرداد ۱۳۲۲ به خیابان‌ها ریختند و محمدرضا پهلوی به‌طور موقت از ایران خارج شد، فعالیت حزب توده بیشتر شد و در کلوپ سهره‌راه اکبرآباد هم توده‌ای‌ها مشغول جذب نیرو از قشر کم‌سواد جامعه شدند.»

کلوپ سهره‌راه اکبرآباد که مساحت آن به چند هزار متر می‌رسید، مقر اصلی و پاتوق شبانه اعضای حزب توده بود و اعضای آن به هرج و مرج‌ها دامن می‌زدند و این رویه تا ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ ادامه داشت. به گفته توانا در ۲۸ مرداد کلوپ توده‌ای‌ها بر اثر هرج و مرج و درگیری گروه‌های مختلف سیاسی تخریب شد.

کلوپ پرماجرایی سهره‌راه اکبرآباد تا چند سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد، متروکه مانده بود و با گذشت زمان جای خودش را به مجتمع‌های مسکونی داد.

توانا درباره روزگار سپری‌شده کلوپ سهره‌راه اکبرآباد می‌گوید: «توده‌ای‌ها با ترفندهای مختلف، قشر جوان و به‌خصوص مردم کم‌سواد را جذب می‌کردند. یکی از شگردهای آنها این بود که شب‌ها به‌طور رایگان فیلم سینمایی پخش می‌کردند و هنگام پخش فیلم، مردم با کیک و لیموناد پذیرایی می‌شدند. توده‌ای‌ها با همین ترفند ۲۵۰ نفر از کارگران کارخانه آج‌سوسازی را جذب کرده بودند. ساختمان‌های مسکونی که این روزها حوالی چهارراه اناری می‌بینید روی ویرانه‌های کلوپ سهره‌راه اکبرآباد ساخته شد.»



و همه کارگزارانش هم از بچه‌های محله بودند، اما در کنار همه شیرینی‌هایش بستنی شیری‌ها و آلاسکایش حرف نداشت. سه‌ماه تعطیلات تابستان بیشتر بچه‌های محل دور مغازه‌هاش جمع می‌شدند و هر کدام ۲۰ تا ۳۰ بستنی و آلاسکای می‌خریدند و بار چرخ‌دستی می‌کردند و در محل می‌فروختند. یادم می‌آید صندوق یخچالی بستنی درست کرده بودم و در کوچه و خیابان راه می‌رفتم و بستنی می‌فروختم؛ آن روزها رسم بود بچه‌ها تابستان کار کنند. یاد آقایی باقالا فروش محله هم به‌خیر! با چرخ‌دستی‌اش لیو و باقالا می‌فروخت و زمستان سرد محله را گرم می‌کرد. امیر ملایی نژاد درباره رونق مغازه‌های این محله می‌گوید: «اکثر بازاری‌های تهران وقتی متوجه می‌شدند مغازه‌ها در بازار سلسبیل است می‌گفتند خدایه کارتان برکت دهد، خوش‌روزی باشید، سلسبیل بازار خوبی برای کسب و کار دارد. از مشخصه‌های مغازه‌های آن روزهای سلسبیل تخته‌های چوبی بزرگی بود که شب‌ها روی شیشه‌های مغازه سوار می‌کردند تا زرد داخل نشود.»

کسبه شساگرد داشتند. این شاگردها شب‌ها در مغازه می‌خوابیدند. شب‌های تابستان باید به سلسبیل می‌آمدید. وضعیت جالبی بود. همه شاگردها تخت چوبی بیرون مغازه می‌گذاشتند و در کنار جوی آبی که از قنات فرمانفرما سرازیر می‌شد می‌خوابیدند. این موضوع برای امنیت مغازه‌ها هم بسیار کاربردی بود. «ملایی نژاد از مغازه زغال فروشی آقای دادخواه حرف می‌زند که دوددنه مغازه بزرگ بود و زغال و خاکه زغال خانه‌ها و کرسی‌ها را تأمین می‌کرد و از تولیدی خیارشوری که بالاتر از چهارراه مرتضوی بود و خاندان مرامی آن را مدیریت می‌کردند و از مناطق دیگر شهر هم برای خرید خیارشور معروف این مغازه به سلسبیل می‌آمدند. او در ادامه می‌گوید: «تولیدی کروات و کلاه‌شاپو حدود ۵۰ سال پیش در سلسبیل وجود داشت. این تولیدی مراجعان زیادی داشت. از معروف‌ترین مشاغل سلسبیل کارگاه قطاب‌پزی بود. گوش‌فیل‌ها و قطاب‌ها و باقلوهایش هنوز دهانم را شیرین می‌کند. این مغازه معروف در چهارراه اناری، تقاطع مرتضوی قرار داشت

■ موضوع: مشاغل قدیمی سلسبیل
 ■ ویژگی: تنوع کسب‌وکار در یک محله

بازار سلسبیل، بازاری پررونق و پرفروش و آمد بود. کسبه از صبح خروس‌خوان کرکره مغازه‌ها را بالا می‌کشیدند و تا غروب خورشید شور کسبوکار در بازار سلسبیل به راه بود. تولیدی‌های لباس، خوردوخوراک، مغازه‌های قطاب‌فروشی و صدالبته بستنی‌فروشی محل همچنان در خاطر اهالی باقی است و بسیاری از این مشاغل همچنان جان دارند و با پرسه‌ای در این محله اصیل پایتخت می‌توانید آنها را ببینید. اکبر ملایی نژاد از کسبه قدیمی بازار سلسبیل است. او می‌گوید: «پدرم مغازه پیراهن‌دوزی داشت. اهالی آن روزها پیراهن‌هایشان را حاضر و آماده نمی‌خریدند و باید حتماً می‌دوختند. پدر سباز بیشتر مشتری‌هایش را حفظ بود. کسبه باهم رفیق بودند و برای رونق کار همدیگر تلاش می‌کردند. یادم می‌آید شب‌ها راسته بازار سلسبیل دیدنی بود. آن روزها همه



مهد کشتی پایتخت

■ موضوع: زورخانه پوریای ولی
 ■ ویژگی: بسیاری از قهرمانان و نوابغ کشتی ایران در این زورخانه کشف و تربیت شدند

وقتی قرار شد کشتی در پایتخت از زورخانه‌ها و پاتوق‌های محلی به سالن‌های تازه تأسیس منتقل شود، مدیران وقت ورزش تهران، مثل میرمهدی ورزشنده، در جست‌وجوی جای بودند که الفبای این ورزش کهن را به مردم و جوان‌ها آموزش بدهند. خشت‌های زورخانه پوریای ولی در همان سال‌ها به همت مرحوم جواد شاه‌محمدی و در سال ۱۳۱۳ گذاشته شد و طبق روایت‌های مکتوبی که از آن سال‌ها به یادگار مانده، نخستین زورخانه تهران بود که به باشگاه تبدیل شد. حسن توانا، یکی از ساکنان قدیمی محله سلسبیل، درباره تاریخچه زورخانه پوریای ولی می‌گوید: «جواد شاه‌محمدی از شاگردان مرحوم میرمهدی ورزشنده، بنیانگذار ورزش نوین در تهران بود و با کمک استاد ماندعلی معماری مقدم که از معماران مشهور سلسبیل بود، زورخانه پوریای ولی را ساخت. بعد از ساخت زورخانه، حبیب‌الله بلور، برای نخستین بار، کشتی‌را از گود زورخانه روی تشک کشتی آورد و قهرمانان زیادی را در زورخانه پوریای ولی تربیت کرد.»

نخستین تشک‌های کشتی که از ترکیه وارد ایران شد در باشگاه فولاد پهن شد و در همان سال‌ها درهای زورخانه پوریای ولی هم روی علاقه‌مندان کشتی باز شد. حاج حسین رضی‌زاده در باشگاه فولاد و حبیب‌الله بلور در زورخانه پوریای ولی استعدادها را کشف می‌کردند و پای

بسیاری از قهرمانان کشتی به محله سلسبیل باز شد. توانادر این باره می‌گوید: «زورخانه پوریای ولی انتهای کوچه حمام خورشید بود و پهلوانان و کشتی‌گیران بسیاری مثل عزیز کیانی، جواد افشار، ناصر تیموری، عبدالله قبادیان، احمد وفادار، محمد غفاری، محمود حبیبی، غلامرضا تختی و خیلی‌های دیگر به این مکان می‌آمدند.»

زورخانه پوریای ولی با تاریخچه و هویت سلسبیل پیوندی ناگسسته‌ای دارد و یکی از نمادهای مهم این محله به‌شمار می‌رود. این مکان در روزهای دفاع مقدس هم جایی برای کمک‌رسانی به رزمندگان بود، اما بعد از پایان جنگ بنا به دلایلی تعطیل شد. صدای ضرب زورخانه حدود یک سال به صدا در نیامد تا اینکه به همت فرزندان مرحوم جواد شاه‌محمدی و جمعی از ورزشکاران

محلی، درهای زورخانه بار دیگر روی قهرمانان کشتی باز شد. توانا درباره معماری زورخانه پوریای ولی که از نخستین زورخانه‌های پایتخت بود می‌گوید: «سقف زورخانه را به‌صورت شیروانی ساختند که حدود ۶دهه دست نخورده باقی مانده بود. بنای اصلی هم خشت و گلی بود و ستون‌های بزرگی داشت. این زورخانه در زمان تأسیس، خارج از شهر و در میان باغ‌های سلسبیل که حومه تهران بود قرار داشت.»

زورخانه پوریای ولی تا اواخر دهه ۷۰ برپا مانده بود، اما در نهایت به‌طور کامل تخریب شد و حالا به یک پارک‌تامن چهارطبقه تبدیل شده و اکنون جز چند عکس و خاطرات پیشکسوتان و ورزشکاران محله سلسبیل، اثری از این مکان به‌جا مانده است.